

نقش و اهمیت شکل ها در فرآیند توسعه و صنعتی شدن کشور



محسن خلیلی

مهر ماه ۱۳۹۱

امروزه با شکل‌گیری نظام اقتصاد آزاد و جهانی شدن بازارها، تسلط شرکت‌های فراملیتی بر بازارهای جهانی محصولات عمده صنعتی، انقلاب اطلاعاتی و مدیریتی ناشی از انقلاب در ارتباطات جهانی، کارگران صنعتی و حتی خود صنعت در هر کشور را شدیداً در معرض تهدید جابه‌جایی و حتی حذف قرار داده است. در این شرایط شکل‌های اقتصادی اهداف بسیاری وسیع‌تری یافته‌اند، به طوری که در هر کشور اروپایی و آمریکایی و حتی در جامعه سنتی ژاپن علاوه بر شکل‌های اقتصادی صرف مانند سندیکاها، فدراسیون‌ها، و کنفدراسیون‌های کارگری و کارفرمایی، صدها شکل اجتماعی و سیاسی با شرکت موثر طبقه کارگر و کارفرما و مدیران فعالیت دارند و از ابزار لازم و حیاتی کار و بقای اقتصادی و سیاسی این جوامع به شمار می‌روند. حتی بسیاری از اهداف تشکلهای صرفاً اقتصادی نیز جنبه اجتماعی و فرهنگی به خود گرفته است. به عنوان مثال اگر یک شکل کارفرمایی برای کودکان و جوانان شهر فیلم‌های سینمایی نشان می‌دهد و یا کنسرت می‌گذارد، یا پیشگام فعالیت‌های اجتماعی می‌شود، و یا شدیداً برای روابط عمومی خود سرمایه‌گذاری می‌کند، اینگونه اقدامات ناشی از درک نیاز به حمایت عامه از ادامه وجود آن شکل است.

در تاریخ ایران وجود سابقه شکل‌صنفی یا تجاری به بیش از ۲۴۰۰ سال می‌رسد. سلاطین هخامنشی برای تنظیم و تدارکات قشونی و تهیه ملزومات مختلف اقدام به ایجاد همکاری بین واحدهای مختلف نموده‌اند. در دوران ساسانی این شکل‌ها گسترش یافته و در مناطق مختلف کشور تشکیل و فعالیت داشته‌اند. در دوره انوشیروان و خسرو پرویز شکل‌های بازرگانی برای تهیه و توزیع ملزومات وجود داشته است. در زمان خلافت عباسیان شکل‌هایی فعالیت داشته و حتی در برخی نقاط شکل‌ها حکومت محلی تشکیل و بعضاً منطقه وسیعی را اداره می‌کردند.

نمونه‌های دیگری از فعالیت شکل‌ها در زمان خواجه نظام‌الملک دیده می‌شود. در این دوره رشته‌های مختلف فعالیت رییس صنف داشته و در امور بازرگانی هم رییس‌التجار هر منطقه مشخص بود. رییس‌التجار و روسای صنوف همراه حکمرانان در سفر به بعد و دیدار خلفا حضور داشتند. و همچنین در حفظ منافع رشته‌های مختلف صنفی، تجاری، بهبود کیفیت کالا و کنترل نرخ‌ها با حکمرانان هر منطقه همکاری می‌نموده‌اند.

اوج فعالیت شکل‌ها قبل از قرون معاصر در زمان صفویه بوده که تشکیلات مختلف صنفی و بازرگانی چه برای تهیه محصولات و چه مصنوعات به وجود آمدند. در این دوران در بیشتر شهرهای بزرگ ایران پیشه‌وران، اصناف، تجار و صنعتگران تشکیلات صنفی شبیه به اصناف قرون وسطای اروپا ایجاد کردند. در دوره‌های افشاریه و زندیه مشکلات مربوط به حکومت‌های منطقه‌ای و جنگ‌های قبیله‌ای و تهاجم نظامی اروپائیان

حکومت را گرفتار و اصناف و تجار نیز بیشتر اوقات خود را صرف کمک به حکومت ها می کردند و تهیه و توزیع مواد غذایی و ملزومات نظامی بر عهده آنان بود.

در دوره حکومت قاجاریه که کشور به خاطر فشارهای اقتصادی سیاسی دولت های بیگانه از وضع اقتصادی سیاسی مطلوبی برخوردار نبود، طبقات تجار، اصناف، پیشه وران و صنعتگران در قالب تشکل های صنعتی و بازرگانی موقعیت خود را حفظ نموده و به عنوان معتمد، مورد احترام مردم بودند، به طوری که اگر در مسائل سیاسی دخالت می کردند، حکومت در برابر خواسته آنان ناچار به تسلیم بود.

در دوره انقلاب مشروطه اصناف به صورت تشکل های فعال در جامعه حضور داشته و در ایجاد مشروطیت نیز نقش داشته اند. حتی در مجلس اول و دوم، اکثریت در اختیار تجار و اصناف بود. در این دوره به تدریج تشکل های کارفرمایی، صنعتی و حتی کارگری در مناطق مختلف کشور ایجاد شدند که تعداد آنها به هفتاد رسید. این تشکل ها در امور بازرگانی، صنعتی و صنفی و پیشه وری نقش اساسی را ایفا نمودند و دولت ها همواره حمایت آنها را در مسائل سیاسی طلب می نمودند.

در سال ۱۲۶۳ خورشیدی بایگیری و تلاش مرحوم حاج محمد حسن امین الضرب مجلس وکلای تجار ایران متشکل از اعضای مجالس وکلای تجار شهرها تشکیل گردید که بعدها در سالهای ۱۳۰۸ مراکزی با عنوان اتاق تجارت در شهرهای کشور به فعالیت خود ادامه داد که رئیس التجار وقت در امور صنعتی و بازرگانی مورد مشورت حکام محلی و دولت بودند. فعالیت این مراکز بعدها تحت عنوان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن شکل قانونی به خود گرفت. در حال حاضر افزون بر این، اتاقهای بازرگانی مشترک که تحت حمایت و پوشش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران تشکیل شدند، در امر تسهیل روابط بازرگانی بین کشورها ایفای نقش می نمایند.

صرف نظر از سابقه تاریخی تشکل ها در ایران، تشکلهای صنفی در دوران نوین اقتصاد ایران سابقه ای حدوداً ۶۰ ساله دارند و علیرغم این قدمت و سابقه هنوز نقش خویش را در مجموعه مبادلات و روابط اجتماعی و اقتصادی، آن طور که انتظار می رود، ایفا نمی کنند. عواملی که مانع حضور و توسعه این گونه نهادها شده اند عمدتاً ریشه های اقتصادی و فرهنگی دارند.

۱- تعریف شکل‌های اقتصادی

در دنیایی که افراد علائق و نیازهای متفاوت خود را در بسیاری از موارد همسو و مشترک می‌یابند و ضرورت دخالت بخش‌های مختلف از جمله صنعتگران در پیگیری علائق و منافع مشترک آنان آشکار می‌شود.

تشکل‌های داوطلب اقتصادی قابلیت همسو کردن نیازها و علائقی را دارند که به هدفی مشترک ختم می‌شود و به صورت خود جوش و داوطلبانه توسط گروهی از فعالان اقتصادی حقیقی و حقوقی تشکیل شده و اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی را به نحو مسالمت‌آمیز پیگیری می‌کنند.

اهمیت تشکل‌های اقتصادی، در پاسخگویی به نیازهای عمومی و کارکرد متنوع آنان از رفاه تا توسعه می‌باشد.

تعاریف گوناگونی برای تشکل‌های غیردولتی از جمله درحوزه اقتصادی ارائه شده است. در رایج‌ترین تعریف ویژگی‌های زیر برای تشکل‌های اقتصادی پذیرفته شده است:

۱- غیرسیاسی باشند

۲- غیرانتفاعی باشند

۳- غیردولتی باشند

۴- داوطلبانه باشند

۵- در مقابل اهداف مندرج در اساسنامه پاسخگو باشند

آنها می‌توانند واسطه بین بخش خصوصی غیردولتی و دولت باشند دولت را در اجرای برنامه‌های توسعه‌یاری دهند. توسعه پایدار با همراهی و دخالت تمامی ذینفعان در حوزه خصوصی (بازار) حوزه عمومی (دولت) و جامعه حاصل می‌شود.

۱-۱ اهداف، وظایف، و رسالت‌های تشکل‌های اقتصادی

تشکل‌های اقتصادی صنعتی جامعه مدنی که مدافعان ریشه‌دار ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه هستند. در مورد مسائل مربوط به سیاستگذاری چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی رهیافتی پویا، مثبت و سرشار از تعامل با دولت را پذیرفته و در پی آن هستند تا از طریق ارائه خدمات تخصصی گسترده خود در زمینه‌هایی چون کیفیت، بهره‌وری، انرژی، محیط زیست، تکنولوژی، آموزش و ...، کارآیی و قدرت رقابت صنعتی کشور را افزایش دهند. آنها همچنین تلاش خواهند کرد تا به عنوان یک شهروند سازمانی، ابتکارات عمده‌ای در زمینه شهروندی سازمانی ارائه کنند و نقش اجتماعی یک شرکت یا سازمان تجاری را به عنوان یک

شهروند مورد بررسی قرار دهند. با یک چنین نگرشی است که تشکل‌ها دارای اهداف، وظایف و رسالت‌هایی خواهند بود که برخی از آنها به شرحی است که در زیر می‌آید:

- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ارتقاء سطح فرهنگ صنعتی کشور و کمک به تدوین استراتژیها و تعیین سیاستهای صنعتی کشور.
- حرکت در جهت جهانی کردن صنعت ایران و ادغام در اقتصاد جهانی
- کمک به توسعه صنعتی ایران و افزایش نقش و سهم صنعت در تولید، اشتغال، درآمد ملی و رفاه مردم جامعه.
- کوشش برای فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای مشارکت در پیشبرد اهداف صنعت و همکاری و تعامل صمیمانه و نزدیک به دولت.
- کمک به گسترش ارتباطات خارج از کشور برای انتقال ایران به تعالی در سطح جهانی.
- ارتقاء سطح همکاریهای علمی و مفاهمه آمیز با سازمانهای همتای بین‌المللی.
- گسترش ارتباط با صنایع و رهبران اتحادیه‌های کارگری، دولت، سازمانهای غیردولتی (NGO) و سازمانهای بین‌المللی.
- کمک به ارتقاء درک جامعه از نقش صنعت در تقویت بنیه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، علمی، فناوری و دفاعی کشور.
- تلاش در راستای افزایش صادرات صنعتی و خدمات فنی و مهندسی و بهره‌گیری از روابط بین‌المللی برای تقویت توان صنعتی، علمی و فناوری کشور.
- تلاش در جهت تفویض اختیار و مسئولیت سازمان‌های دولتی درخصوص برنامه‌ریزی و امور اجرایی به تشکل‌های صنعتی، علمی، حرفه‌ای و صنعتی.
- کمک به توسعه بخش خصوصی و تقویت نقش آن در اقتصاد ملی.
- تلاش در جهت استفاده بهینه از منابع موجود با توجه به نیازهای نسل‌های آینده کشور.
- تلاش در جهت دستیابی به بازارهای جدید.
- کمک به توسعه مدیریت کارآفرینی و افزایش بهره‌وری
- کمک به ایجاد نهادهای مالی و شرکت فعال در بازار سرمایه
- کمک به بالا بردن کیفیت تحصیلات فنی و توسعه مهارتها و آموزش‌ها.
- مشارکت و همکاری با سازمان‌های مصرف‌کنندگان.
- تلاش در جهت انتقال تجارب مربوط به بهترین روش‌ها، منابع و اطلاعات درمیان شرکت‌های عضو.

- برگزاری جلسات کارآموزی، ایجاد آگاهی، و تشکیل کارگاههای آموزشی.
- تلاش در جهت تسهیل سرمایه گذاری خارجی.
- پذیرش برخی وظایف اجرایی دولت که منجر به کوچک شدن آن و کاهش هزینه های عمومی می شود.
- تلاش در جهت کاهش وابستگی بنگاههای اقتصادی به دولت و امکانات دولتی.
- کمک به ایجاد روحیه متکی به اعتماد به نفس و کارآفرینی در مدیران بنگاههای اقتصادی.
- آگاهی دادن به اعضاء درخصوص آخرین پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی.
- ایجاد بانک های اطلاعاتی گوناگون
- تلاش در جهت ارتقاء کیفیت کالاها و خدمات به منظور قابل رقابت پذیرتر کردن تولیدات و توانا ساختن بنگاههای اقتصادی در عرصه جهانی.
- آشنا ساختن اعضاء با هدف های توسعه اقتصادی ملی و تشریح سیاستها و استراتژی های توسعه برای آنها.
- ارشاد و هدایت سرمایه گذاران در انتخاب رشته فعالیت هایی برای سرمایه گذاری و جلوگیری از هدر رفتن منابع اقتصاد ملی.
- ترویج فرهنگ ملی در زمینه های احترام به کار، قناعت و صرفه جویی، خدمت به مردم از راه افزایش عرضه کالاها و خدمات مطلوب، و نیز ایجاد روحیه صداقت و صمیمیت در کار.

۲-۱ اصل مشارکت پذیری

به تعبیر بسیاری از اندیشمندان مشارکت به قدمت تاریخ بشریت پیشینه دارد، چرا که نظر و عمل مشارکت در بطن هر جامعه و در مفاهیمی چون وابستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آنها نهفته است. درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت گروهی است که آنان را برمی انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شده و موارد اساسی درگیر شدن، یاری دادن را پذیرا گردند. فرد ابتدا از لحاظ ذهنی، عاطفی درگیر می شود و سپس اقدام به فعالیت می کند. به عبارت دیگر یاری دادن حاصل نوع انگیزشی است که فرد را در جهت کمک به دیگران قرار می دهد. این نکته واژه مشارکت را از موافقت جدا می سازد.

در مشارکت سیاسی قدرت برای دخالت گروه ها در تولید و ارتقاء فرهنگ است. مشارکت اجتماعی دخالت داوطلبانه، آگاهانه و مسالمت آمیز اعضای یک جامعه در حصول به توسعه است.

تشکل های صنعتی از جمله بسترهای ییگیری مشارکت های اجتماعی می باشد.

۱-۳ مختصات روانی شخصیتی در تشکل گرایی

در فرآیند توسعه، شخصیت، ذهنیت و الگوهای رفتاری انسانها باید دچار تحول شود. مجموعه این تحولات باعث پدیدار شدن انسانی می شود که بهترین وجه قادر است در جامعه ای پیچیده و در حال تحول، از عهده نقشهایی که به او محول می شود، برآید. این تحول یا ویژگیها را می توان در عبارت زیر توصیف کرد:

انسان توسعه یافته صنعتی تشکل گرا و دارای فرهنگ تشکل گرایی، انسانی است که آن دسته از صفات، مهارتها، شایستگی ها، نگرش ها، ارزش ها، شیوه های تفکر و الگوهای رفتاری را دارا باشد که برای فعالیت کارا و اثر بخش در نظام پیچیده جامعه صنعتی مناسب است.

ویژگی هایی که به آن اشاره می شود برای تمام سطوح جامعه صنعتی ضروری است.

- تمایل به پیشرفت و نوآوری
- انعطاف پذیری ذهنی
- روحیه کارگروهمی
- مشارکت اجتماعی
- مشارکت روانی و همدلی
- مشارکت اقتصادی
- مشارکت ارتباطی
- برتری فضایل و انگیزه های اجتماعی بر انگیزه های فردی
- ذهنیت آینده نگر
- اعتقاد به یادگیری مداوم
- احساس مفید و مؤثر بودن
- اتکاء به نفس و استقلال در تصمیم گیری ها همراه با مشورت و نظر خواهی
- زمان آگاهی
- توسعه هوش احساسی که مقوله ای پر اهمیت و نوین و تحول آفرین در علم است.

۲- جایگاه و نقش تشکل ها

۲-۱ اهمیت تشکل ها در فرآیند صنعتی شدن

- ارابه مشاوره تخصصی در زمینه تکنولوژی، انجام مطالعات بازار، تحقیقات صنعتی و برنامه های آموزش
- تلاش در راه بهبود کسب و کار و کوشش برای دستیابی صنایع به استانداردهای محیطی و جهانی در صنعت و تجارت
- حذف موانع گسترش فعالیت بخش خصوصی، حمایت از کسب و کار، حمایت از ایجاد و توسعه صنایع کوچک و متوسط
- رسیدگی به شکایات مصرف کننده
- شرکت در گفتگوهای سالانه وزارتخانه ها و کمیته های دولتی بر سر مسائل سیاستگذاری های صنعتی
- تلاش برای بازسازی بخش دولتی با هدف ارتقاء محیط رقابت آزاد
- داشتن نماینده در جلسات مجلس، برگزاری گردش های مطالعاتی و سمینارها، دیدار صنعتگران با اعضای پارلمان
- کنترل و نظارت بر قاعده مند کردن خط مشی مالیاتی و عوارض گمرکی
- تدوین قوانین و لوایح در مورد صنعت و بازرگانی، اصلاح قوانین مرتبط با صنعت توسعه تعامل با جهان خارج و پذیرش نقش در تقسیم کار جهانی، نقش تشکل ها در تحقیق استراتژی توسعه صنعتی کشور در قالب تبیین ارتباط ها با صنایع - احزاب و سیاستمداران - نظام سیاستگذاری - نهادها و سازمان های بین المللی و مصرف کنندگان.

۲-۲ ساماندهی امور اقتصادی و اجتماعی

دستیابی به هر هدف جمعی به گرو تلاش جمعی سازمان یافته و برنامه ریزی شده است. از این رو تنها زمانی که تمام عناصر تشکیل دهنده یک مجموعه، برای دستیابی به هدفی، با یکدیگر همکاری می کنند می توان انتظار تحقق آن هدف را داشت.

کشور ما اکنون در شرایطی قرار دارد که بیش از هر زمان دیگر به بسیج همگانی و همساز کردن توانایی های بالقوه به ویژه در عرصه اقتصادی نیاز دارد. از سوی دیگر علاقه ای که مردم ما در سالهای اخیر در مقاطع مختلف برای مشارکت در سرنوشت خویش نشان داده اند، فضای مساعدی را برای فراخوان آنها به حضور در

صحنه اقتصادی ایجاد کرده است. لذا به نظر می‌رسد که اگر چه یک حرکت واکنشی از سوی دولت در آسان سازی ایجاد و شکل‌گیری تشکل‌ها در راستای استقرار جامعه مدنی صورت گرفته است ولی برای حضور هر چه گسترده‌تر مردم در فعالیت‌های اقتصادی ضرورت دارد از فضای موجود در راستای توسعه اقتصاد ملی بهره بیشتری گرفته شود.

عدم تعادل و توازن در آمد و ثروت در جامعه، سهم پایین تولید و خدمات وابسته به آن در مجموعه اقتصاد ملی، گسترده شدن بیش از حد دولت در اقتصاد، اتکای اقتصاد ملی به درآمدهای ناپایدار بخش نفت، بی‌توجهی به فضیلت و تقدس کار و تلاش در جامعه، کم توجهی به نقش حساس و سازنده کارآفرین و مدیر لایق صنعتی، فقدان انضباط در دستگاه‌های دولتی. نبود و کمبود انگیزه لازم برای پس انداز و سرمایه گذاری و بارور نمودن ظرفیت‌های تولیدی، و نیز کمبود ثبات و امنیت اقتصادی اجتماعی، عمدتاً ناشی از کم توجهی به جایگاه مردم و تشکل‌ها و نقش آنها در کمک به ساماندهی اقتصادی اجتماعی در راستای هدف‌های توسعه اقتصادی ملی است.

بررسی اهداف و رسالت‌های کلیه تشکل‌های اقتصادی و حرفه‌ای نشان می‌دهد که خواسته‌های آنها بسیار شبیه و مشترک است. حتی تشکل‌های صنفی نیز که قاعدتاً باید به دفاع از منافع صنفی خاص پردازند به عنوان بخشی از جامعه اقتصادی و صنعتی از اهداف کلان اقتصادی و صنعتی نام می‌برد. این وحدت و یا اشتراک اهداف که غالباً مخاطبان آن دولت و دستگاه‌های دولتی و یا سازمان‌های ایجاد شده توسط نهادهای قدرتمند وابسته به دولت است، همکاری، تبادل نظر و اقدام مشترک تشکل‌ها را برای مؤثر واقع شدن ضروری می‌سازد. سازمان دولتی یا مقامی که مراجعه یک یا چند نفر از یک تشکل را ممکن است نادیده بگیرد مسلماً نمی‌تواند سخن نمایندگان چندین تشکل را ناشنیده بگذارد. وجود خواسته‌های مشترک در دهها بیانیه چاپ شده، در دهها نشریه صنفی و با استفاده از امکانات مشترک و بیان شده توسط سخن‌گویان متعدد، هر مقام سیاسی و اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

ضمن آنکه نظرات همه آنها خیرخواهانه و در جهت پیشرفت کشور است.

نفس و اهمیت بهبود کیفیت نیروی انسانی بر روند و فرآیند توسعه اقتصادی تا جایی است که امروز اکثر اقتصاددانان اتفاق نظر دارند که آنچه در نهایت خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور را تعیین می کند منابع انسانی آن کشور است و نه سرمایه و یا منابع مادی آن جامعه. بهبود کیفیت نیروی انسانی علاوه بر تلاش و کوشش های آموزشی جنبه های کارآفرینی، مسئولیت پذیری، نظم پذیری، صداقت و صمیمیت در کار، اخلاق و وجدان کار انسان را نیز دربر می گیرد.

تجربه تاریخی کشورهای پیشرفته صنعتی و نیز کشورهای آسیای جنوب شرقی در دهه های اخیر گویای آن است که مهمترین مزیتی که به این کشورها کمک کرد تا به مرحله بالاتر توسعه دست یابند، وجود انسانهایی بود که کار و تلاش هدفمند را به عنوان یک وظیفه ملی تلقی کرده و به مقوله کار به جز وسیله معاش، به صورت یک ارزش نگریستند. بنابراین از نظر تکامل اقتصادی اجتماعی هر جامعه، تشکل گرایی و کار در تشکل ها خود نوعی کارآموزی برای افراد جامعه در جهت مشارکت بهتر در اداره جامعه و کمک به پیشرفت آن شناخته شده است. از این رو اشاعه این فرهنگ در جامعه یکی از کارکردهای مهم تشکل ها می باشد.

بالا بردن سطح دانش تخصصی کارآفرینان و مدیران - نوسازی تخصص ها و بازآموزی آنها - بهسازی اطلاعات برای آشنایی با آخرین دستاوردهای علمی و فنی - ترویج فرهنگ ملی در زمینه های احترام به کار، قناعت و صرفه جویی، خدمت به مردم از راه افزایش عرضه کالا و خدمات مطلوب، ترویج روحیه صداقت و صمیمیت در کار، بررسی و آشنایی با استراتژی ها و سیاست های توسعه اقتصاد ملی از طریق برگزاری سمینار، گردهمایی و تبادل نظرات علمی با حضور کارشناسان و متخصصان، از جمله اقدامات تشکل ها در زمینه توسعه منابع انسانی و ایجاد نگرش توسعه ای در آنها می تواند باشد.

۴-۲ انباشت سرمایه مولد

با گذشت بیش از ۷۰ سال از ورود ایران به دوران اقتصاد نوین و بیش از ۵۰ سال اجرای برنامه های عمرانی و هزینه کردن بیش از ۱۲۰۰ میلیارد دلار دریافتی های ارزی، هنوز اقتصاد ایران دست به گریبان مسئله فقر ناشی از کمبود تولید بوده و فرآیند انباشت سرمایه دچار اختلال می باشد. گرایش به دولتی کردن فعالیت های اقتصادی، گسترش مصرف گرایی در سایه واردات بی رویه کالاهای خارجی، ایجاد انحصارات، بسط فرهنگ رانت طلبی دولتی، تقویت شعار غیرعلمی خودکفایی، ایجاد نهادهای مالی دولتی، حضور گسترده بخش دولتی

در بازار سرمایه و ناکارایی آن، از جمله عواملی هستند که فرصت‌های سرمایه‌گذاری تولیدی و ایجاد اشتغال توسط بخش خصوصی را محدود نموده است. به طوری که سهم بخش های تولیدی به ویژه صنعت ساخت در تولید ناخالص داخلی پایین و در عوض سهم بخش خدمات غیرمولد در حال افزایش است.

برهم خوردن تعادل سهم بخش خدمات غیرمولد نسبت به سهم تولیدات صنعتی و کشاورزی در ترکیب تولید ناخالص داخلی موجب تمرکز ثروت در دست درصد کوچکی از جمعیت که کمترین اثری در افزایش تولید ناخالص داخلی ندارند و در ایجاد اشتغال هیچگونه سرمایه‌گذاری مؤثری نمی‌کنند، شده است. به طوری که این امر علاوه بر گسترش فقر و ناعادلانه تر کردن توزیع درآمد، بر گردش سالم اقتصاد ملی نیز اثرات منفی به جای گذاشته که فرار سرمایه های ملی، کاهش درآمدهای مالیاتی و افزایش بی رویه قیمت ها از جمله آنها است.

در این خصوص سهم بخش خدمات نه تنها بایستی متعادل گردد بلکه این بخش از نظر نوع مشاغل نیز باید متحول شود. تشکل ها در این راستا می توانند با بررسی فرصت های شغلی در درون اعضای تحت پوشش خود و ارتباط با اطلاعات بازار کار ساختار شغلی اعضا به انجام یک سلسله سرمایه گذاری های مشترک دست یازند. به طوری که با بررسی انواع مزیت هاف به تعریف و تدوین پروژه ها و طرح های دارای توجه اقتصادی اقدام و آنها را برای سرمایه گذاری به اعضا ارائه نمایند.

بنابراین تشکل ها به علت احاطه ای که به رشته فعالیت های متعدد در جامعه دارند می توانند نقش ارشادی و هدایتی سرمایه گذاران را در انباشت سرمایه مولد و ایجاد فرصت های اشتغال و در نهایت کمک به رشد و پیشرفت اقتصادی برعهده گیرند و از اتلاف منابع محدود ولی قابل استفاده کشور جلوگیری کنند. همچنین تشکل ها می توانند با ایجاد هسته های اطلاعاتی در بازار بورس اوراق بهادار در جذب سرمایه ها به بخش تولید کمک کنند.

۲-۵ مشارکت فعال و مؤثر در تصمیم سازیهای کلان اقتصادی اجتماعی

تصمیم سازی و تصمیم گیری در مسائل کلان اقتصادی اجتماعی مسئولیتی بس سنگین و درعین حال دارای وجوه و ابعاد گوناگون است. در تنظیم سیاست های اقتصادی، سیاستگذاران برای اینکه بتوانند به داوری بنشینند، بی نیاز از مشاورت نیستند. در این بین کسانی باید مشاورت بدهند که شایستگی و آگاهی لازم را در شناسایی مسائل اقتصادی اجتماعی دارند. اهمیت این نقش در فرآیند سیاستگذاری مهم تر از توصیه هایی است که سیاستگذاران به طور مقطعی ارائه می دهند. از این رو گروهها، نهادها و تشکل ها از یک سو با برخورداری

از متخصصان و افراد با تجربه و از سوی دیگر با دسترسی به اطلاعات و رویدادهای واقعی، می‌توانند نه تنها منابع از تصمیم‌گیری نابینه و اعمال نظر سیاستمداران در جهت‌هایی خاص شوند بلکه آنان را به اتخاذ تصمیم‌های قابل اجرا رهنمون و هدایت کنند.

بنابراین حضور نمایندگان تشکلهای در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و مشارکت در شوراهای و کمیته‌های برنامه‌ریزی و مشارکت در شوراهای و کمیته‌های برنامه‌ریزی، و نیز حضور در شوراهای تصمیم‌گیری مربوط به مسائل اقتصادی و اجتماعی مانند شورای اقتصاد، شورای عالی صادرات، محیط زیست، آموزش، اشتغال و ... این فرصت را به وجود می‌آورد که سیاست‌گذاران در اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های کلان اقتصادی و اجتماعی از نظرات و انتظارات مردم دست‌اندر کار از طریق این نهادهای مدنی که در حد فاصل توده‌های مردم و دولت به وجود می‌آیند، آگاهی حاصل نموده و سپس به سیاستگذاری و اتخاذ تصمیم منطبق با نیازها که در ضمن از جنبه اجرایی قوی نیز برخوردار است، مبادرت نمایند. لذا وقتی نقش و مسئولیت مردم در برنامه دیده شود، اقبال آنان به اجرای اصول و مبانی اصلی برنامه امکان‌پذیرتر و آسان‌تر خواهد شد. این امر از طریق تشکلهای که مستقیماً با مردم در ارتباط هستند صورت عملی پیدا می‌کند.

۶-۲ کمک به قانونگذاری و بازنگری قوانین و مقررات

کمک به امر قانونگذاری، تنظیم و اصلاح قوانین و مقررات به عنوان عامل تسهیل‌کننده روند رشد و پیشرفت اقتصادی - منطبق با نیازها و شرایط - عمدتاً در کانون وظایف تشکلهای قرار می‌گیرد.

در جامعه مدنی، دولت منتخب تشکلهای بوده و حتی پس از پیروزی در انتخابات و اطمینان از داشتن اکثریت مداوم در افکار عمومی ناگزیر است از خواسته‌های مردم آگاهی حاصل نماید و در حد توان و امکانات خویش خواسته‌های آنها را برآورده سازد. در این فرآیند تشکلهای که نهادهای مردمی هستند و به عنوان واسطه بین دولت و ملت عمل می‌کنند، خواسته‌ها و نظرات مردم را جمع‌آوری، تعدیل و پالایش نموده و در قالب طرح‌های منسجم و هماهنگ به جامعه و دولت عرضه می‌نمایند و پس از تصویب دولت و مجلس در سطوح مختلف جامعه از آن دفاع می‌نمایند.

افزون بر این، برای بازنگری قوانین و مقرراتی که در راه تولید، سرمایه‌گذاری و صنعتی شدن موانع و محدودیتی ایجاد می‌نمایند، و یا آنکه وجود مقررات مبهم و متضاد که در اجراء موجب تبیین و تفسیرهای متفاوت و ناسازگار می‌گردد، تشکلهای می‌توانند در راستای ایجاد فضای قانونی مناسب برای فعالیت، پیشنهادهای اصلاحی به دولت و مجلس ارائه نمایند. ضمن آن که دولت و مجلس امروزه خواستار و داوطلب

چنین همکاری‌هایی بوده و علاقمند به کسب نظرات و آراء تخصصی کارشناسان غیرشاغل در دولت در بررسی لوایح، طرح‌ها، قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعملها هستند.

۳- حاصل مشارکت شکل‌های اقتصادی در سطوح مختلف تصمیم‌سازی

نظارت به عنوان یکی از موثرترین مسیرهای توسعه مورد توجه می‌باشد و چنین اقدام کارسازی در پرتوی ایجاد شکل میسر و مقدور خواهد بود. ابزار و امکانات و خرد و توان جمعی شکل نظارت را امکانپذیر می‌سازد. مشارکت آنگاه به ثمر می‌رسد که شکل اقتصادی بر مسئولان ذیربط نظارت داشته باشد.

برابر تجارب جهانی، هرگاه تشکلهای اقتصادی در سطوح مختلف تصمیم‌سازی مربوط به کار خود مشارکت داده شوند در مسیر حصول به توسعه پایدار به نتایج اثر بخش زیر حاصل خواهد شد:

- توانمندی غلبه بر فقر
- توانمندی افزایش طول عمر
- توانمندی دستیابی به آموزش‌های مورد نیاز
- فراهم آمدن تسهیلات اقتصادی
- دستیابی برابر به فرصتهای اجتماعی
- ایجاد شفافیت رفتاری
- پوششهای ایمنی و تأمین فرارگیر

۴- بسترسازی برای توسعه فعالیت شکل‌ها

در بسترسازی برای توسعه فعالیت شکل‌ها، چند اقدام باید توأمان صورت گیرد:

- قوانین حاکم بر تاسیس و رسمی شدن تشکلهای اقتصادی که تشکلهای غیرسیاسی و غیرانتفاعی نیز هستند از حالت چندگانگی و چند پاره‌گی و گاه متضاد خارج شوند و به قانونی جامع، فراگیر و آسان تبدیل گردند.
- بخشی از اختیارات و تصمیم‌گیریهای دولت به تدریج به تشکلهای واگذار شوند.